

مرغ سحر

نادر گلچین درگذشت

● **گروه هنر:** خبر کوتاه بود: نادر گلچین درگذشت.
آخرین جمعه و واپسین روز تابستان ۹۶ هم با خبر درگذشت نادر گلچین گره خورد. این خواننده پیش‌کسوت مدت‌ها در بیمارستان بستری بود. نازنین گلچین - فرزند این هنرمند - در گفت‌وگو با ایسنا، گفت: پدرم حدود یک ماه در بیمارستان هتل گاندی تهران بستری بود. او دلیل بستری‌شدن پدرش در بیمارستان را تشدید بیماری رویی او دانست و افزود: جمعه، ۳۱ شهریور، پدرم ایست قلبی کرد و متأسفانه پزشکان نتوانستند او را احیا کنند. همچنین حبیب گلچین، برادرزاده نادر گلچین، به ایلنا گفت: «نادر گلچین یک ماه در بیمارستان گاندی به دلیل مشکلات ریوی بستری بوده و به دلیلی عوارض این بیماری هرروز سطح هوشیاری او کاهش پیدا می‌کرد تا اینکه پنجشنبه، ۳۰ شهریور، سطح هوشیاری وی به پایین‌ترین حد خود رسید و جمعه، ۳۱ شهریور، ساعت ۹ صبح دار فانی را وداع گفت».
نادر گلچین از جمله خوانندگان شناخته‌شده موسیقی ایرانی بود که آثاری چون «یوسف کم‌کشته»، «مرغ سحر»، «ناوک مژگان»، «قصه شهر عشق»، «مسبب»، «من دیگه بچه نمیشم» و آلبوم‌های «گریز»، «نفس باد صبا» و «زلف بنفشه» را منتشر کرد. او در طول سال‌ها فعالیت خود در موسیقی با هنرمندان بزرگی مانند فرامرز پایور، منصور صارمی، پرویز یاحقی، حبیب‌الله بدیعی، علی‌اصغر بهاری، جلیل شهناز، فرهنگ شریف... همکاری کرد.
نابار اعلام خانواده آن مرحوم، بیکر نادر گلچین ساعت ۹ صبح یکشنبه ۲مهر از مقابل تالار وحدت تهران تشییع می‌شود.



مرغ سحر؛ مرگ ویک تولد دوباره

● **سعید برآبادی:** همزمان‌شدن تولد ۷۷ سالگی محمدرضا شجریان و مرگ نادر گلچین در ۸۰ سالگی را مگر می‌شود جز به فال نیکو گرفت؟ این فال نیکو یادآور این واقعیت است که موسیقی ایران، درست مثل طبیعت، چهار فصل دارد؛ بهار رویش و تولد، تابستان به‌بارنشتن، پاییز انتظار و دلتنگی و زمستان خواب و مرگ تا تولدی دیگر. یکی می‌آید و آن دیگری می‌رود و این رسم روزگار، خاک این کشور را از عطر موسیقی مهجور و در حصار ما، عطرآگین می‌کند. هر مراسمی که امسال برای تولد شجریان برگزار شد، همراه با تکرانی‌هایی بود که او عبد سال قبل در ته دل‌ها نشانده. تصویر بیمار، اما سربای استاد، سفره‌های نوروزی ۹۵ را به آغاز یک ماراتن نفس‌گیر میهمان کرد. حالا همه می‌دانیم که او در فرازونشیب یک بیماری را به قول خودش یک هدم یا تاز باره است و سعی می‌کنیم به مناسبت‌های مختلف، با زنده نگه‌داشتن یاد و مراسم در فضای موسیقی کشور، عمر بیشتر و باعزت‌تر برای استاد طلب کنیم. در این میان اما شاید از یاد برده باشیم که آنچه شجریان را شجریان کرده و می‌کند، نه پیروی شاگردانه از او که دریافت واقعیت جایگاه شجریان و چگونگی رسیدن به این جایگاه است. از پیروی همین مفهوم است که می‌توان امروز، یکی از دو چشم را برای تولد شجریان، شاد نگه داشت و آن یکی دیگر را گذاشت ببارد بر مرگ نادر گلچین. اهمیت و جایگاه نادر گلچین هم درست مثل شجریان نه به‌خاطر فهرست گسترده‌ای از استادانی است که او را پذیرفته یا برایش آهنگ ساخته‌اند که اگر این‌گونه بود، شنیدن نام‌هایی مانند فرامرز پایور، منصور صارمی، پرویز یاحقی، حبیب‌الله بدیعی، علی‌اصغر بهاری، جلیل شهناز، فرهنگ شریف، فضل‌الله توکل، جهانگیر ملک، امیرناصر افتتاح، محمد اسماعیلی، آبتین اجلاسی و منصور نریمان کافی می‌نمود تا او را استادی درجه‌یک بنامیم و از خود بیرسمیم که چرا چنین شخصیتی سال‌ها دور از رسانه‌ها و شبکه‌های تلویزیونی قرار گرفت و نگذاشتند صدایش و آن تلفظ دقیق واژه‌هایش به گوش مردم برسد. نادر گلچین اما با صدایی محزون و تلفظ دقیقی که از واژه‌ها می‌کرد، تاریخ متفاوتی برای حضور شعر فارسی در تصنیف ایرانی ساخت و این‌گونه است که مرغ سحر او عجیب شبیه مرغ سحر شجریان خوانده شده است؛ او به کلمات یاری پریدن می‌داد تا از میانه قطعه بلند شوند. از قفس سینه بگذردند و به ذهن جست‌وجوگر مخاطب وارد شوند. این‌چنین است که مرغ سحر، در اولین روز مهر ۹۶، مرده اما هم‌زمان تولدی تازه یافته است. در فاصله این گردش جزن‌آور و شادی‌بخش، آنچه بیش از همه اهمیت پیدا می‌کند، مرور پیامی است که این خالقان آواز در طول یک قرن موسیقی اصیل ایرانی در تلاش مخابره آن از حجره خود بوده‌اند؛ تلاشی که از دل شعر ملک‌الشعرايی بهار و آهنگ نی داوود بیرون آمد و به صدای ملوک صرایی، قمرالملوک وزیری، نادر گلچین، هنگامه آخوان، هوشمند عقیلی، عبدالوهاب شهیدی، فرهاد مهرا، محمدرضا شجریان و... به ترانه‌ای ملی بدل شده و در حافظه تاریخی ایرانی‌ها باقی مانده است. چنین حافظه‌ای در این روز خاص، فرصت دارد «شرح هجران» مختصر کند و «پاده آتشین» بنوشد برای روز مبادا.

گروه هنر: جشن تولد استاد محمدرضا شجریان ۱۳۹۶ با حضور جمعی از علاقه‌مندان سینما و موسیقی، چهارشنبه‌شب ۲۹ شهریور در سینما عصرجدید تهران برگزار شد. این مراسم به دلیل هم‌زمانی تولد استاد با آغاز ایام سوگواری ابعیدالله حسین (ع) سه روز زودتر برپا شد. این جشن به همت نشر «لنجوان» و همکاری مجموعه فصلنامه «سرزمین هنر» و «وب‌سایت هنرلند» (honarland.ir) با حضور پرشور طرفداران این استاد آواز ایران در فضایی دوستانه شکل گرفت. در آغاز مراسم، مجری برنامه، کامران فلاحتی، ضمن خوشامد به حضار، با خواندن متنی شورانگیز، این مراسم را ضیافت خاطره‌ها دانست. او گفت: «این مراسم درواقع ضیافت قدردانی از اسطوره‌هایی که افسانه نیستند، است. اتفاقاً آنها واقعی هستند و به زندگی ما هویت می‌دهند؛ هویتی که با تاریخ ما گره خورده و با آن زندگی می‌کنیم و عاشق می‌شویم».

سپس درحالی‌که پخش آوای رنبا هنوز از صداسیما ممنوع است، نوای دلپذیر «رنبا...» فضای سالن را بر کرد و در ادامه، شرکت‌کنندگان مراسم برای سلامتی استاد شجریان صلوات فرستادند. استاد شجریان مدتی است به دلیل ابتلا به بیماری درگیر مراحل مختلف درمان است و به همین دلیل نتوانست در این مراسم شرکت کند.

سپس سعید ناظمی، غزل جدید خود را در وصف خسرو آواز ایران قرائت کرد که با تشویق حضاران مواجه شد. پس از آن غلامرضا

هنر

جشن تولد ۷۷ سالگی خسرو آواز ایران



رضایی، یکی از شاگردان مکتب استاد، قطعه‌ای آوازی با اشعاری از حافظ را اجرا کرد.

در ادامه، مجید درخشانی در سخنانی، از مقام استاد شجریان تقدیر به عمل آورد. او در بخشی از سخنان خود گفت: «از اینکه جمعی از علاقه‌مندان فرهنگ و هنر این مراسم را برپا کردند به‌نوبه خود تشکر می‌کنم. این نشان‌دهنده علاقه مردم کشورمان به هنرمندان محبوبی مانند استاد شجریان است. افسوس که ایشان بیمار هستند و امیدواریم هرچه‌زودتر شرایط حضورشان در برنامه‌های هنری فراهم شود».

محمدرضا شجریان به روایت هوشنگ کامکار

اودردل‌ها جای دارد



درصد هم شخصیت هنری‌اش اهمیت دارد و استاد شجریان همواره این شخصیت هنری را حفظ و با این شخصیت در دل مردم جا باز کرده‌اند.
آ آ یا خودتان با اساد همکاری داشته‌اید؟
من خودم همکاری نداشته‌ام اما دو گروه شیدا و عارف که شامل اعضای خانواده‌ام هم می‌شوند، با او همکاری کرده‌اند.

آ آشنایی‌تان با او چگونه شکل گرفته؟

زمانی که انقلاب شد و دومین هوپایما از آمریکا به مقصد فروگاده مهرآباد پرواز کرد، من در آن هوپایما بودم که تازه درسم را در آمریکا تمام کرده و هنوز هم مدرکم را نگرفته بودم که به تهران آمدم و در آنجا محمدرضا لطفی و استاد شجریان به استقبال آمدند. تازه آلبومی را هم درباره انقلاب منتشر کرده بودند که شجریان می‌خواند: برادر کاکلش آتشفشونه... به نظر من یکی از شاهکاری اوست که تحت‌تأثیرش

هم قرار گرفتم و لطفی هم مدام می‌گفت: هوشنگ، متجاوز از ۴۰ سال گوش بده و... این خوب است! و به خاطر دارم

شجریان؛ مرزبان امین هنر

نورالدین میرفخرایی: قطعه‌ای را که در بیان عواطف به ستایش‌شده‌ترین هنرمند قرون و اعصار این آب و خاک یعنی قله رفیع و مرتفع موسیقی ایران‌زمین استاد محمدرضا شجریان سروده‌ام، به مناسبت اول مهرماه هفتادوهفتمین سالروز تولد آن نازنین به شما تقدیم می‌کنم. خداوند بزرگ را سپاسگزارم که با این قطعه تپنده ز دل و بافته ز جان توانستم اندکی از دین خودم، هم‌نسلانم و مردم ایران را به این مرد بزرگ ادا کنم. متجاوز از ۴۰ سال است که ذهن و ضمیر من همواره مشغول به او بوده است و سایه‌وار در تعقیب او بوده‌ام.

من چشم ازو چگونه توانم نگاه داشت که‌اول نظر به دیدن او دیده‌ور شدم تا رفتنش ببینم و گفتش بشنوم از ای تا به هر سه سماع و بصیر شدم او را خود التفات نبودش به صید من خویشتن اسیر کمند نظر شدم در عزیزترین شب عمرم، چهارشنبه ۳۰دی ۱۳۹۴ ساعتی در حضور او و تنی چند از دوستان مشترک سخن گفتم و تابلوی اشعارم را به او تقدیم کردم. ویژگی شاخص این اشعار آن است که عناوین آثار این شجر تنومند، تانوار گلستان موسیقی ایران در آن درج شده است.

به باور من عوامل متعددی را می‌توان در تحلیل و تبیین موفقیت‌های شگفت‌انگیز استاد محمدرضا شجریان برشمرد که در این مجال اندک فرصت پرداختن به آن نیست و مهتاب شیی خواهد و آفروده‌سری. لیکن اجمالاً به دو ویژگی بارز و اساسی که موجبات نیل او به این جایگاه دست‌نیافتنی را فراهم کرد، اشاره می‌کنم. نخست «اقتدار رومی» و «اعتمادبه‌نفس» غیرقابل توصیف او که ملهم از یقین قلبی و باور او

در ادامه، درخشانی به ذکر خاطراتی از آخرین برنامه‌هایی پرداخت که در خارج از کشور با استاد شجریان برگزار کرده بودند و افزود: «استاد شجریان در تمام این سفرها دائم آرزو می‌کردند که بتوانند برنامه‌های بهتر از آن را در داخل کشور و برای مردم عزیز ایران انجام دهند».

سپس کیک تولد ۷۷ سالگی استاد محمدرضا شجریان به دست مجید درخشانی بریده و شیرینی این جشن مردمی میان حضاران پخش شد. در پایان، فیلم «دلشدگان»، اثر زنده‌یاد علی حاتمی در حضور بیش از ۵۰۰ نفر از شرکت‌کنندگان در این جشن به نمایش درآمد. لازم به یادآوری است که قطعات موسیقی این فیلم به‌یادماندنی با صدای استاد شجریان خوانده شده است.

محمدرضا شجریان، زاده اول مهر ۱۳۱۹ مشهد، موسیقی‌دان، آهنگ‌ساز، خواننده و خوشنویس اهل ایران است.

او از برجسته‌ترین هنرمندان موسیقی سنتی ایرانی است و آلبوم‌های بسیاری را در این زمینه منتشر کرده و به دلیل نوع صدا و سبک مخصوص به خود و تصنیف‌های ملی میهنی که اجرا کرده، شناخته می‌شود. همچنین محمدرضا شجریان، بنیان‌گذار گروه شهناز و میدع چند ساز موسیقی است. او علاوه بر آوازخوانی، علاقه زیادی به خوشنویسی ایرانی دارد و تاکنون چندین ساز جدید در موسیقی ایرانی ابداع کرده است.

جشن تولد ۷۷ سالگی خسرو آواز ایران

باعث ایجاد ارتباطاتی می‌شد و ما را به هم نزدیک‌تر می‌کرد و اگر ارتباط خانوادگی هم بود، در چارچوب هم‌گروه‌بودن بود و در همین حد با هم ارتباطمان برقرار می‌شد.

آ آ یا در چاوش ۲ با ایشان همکاری داشتید؟
خودم نه، اما برادرانم با او در چاوش ۲ به‌عنوان نوازنده همکاری کرده‌اند.

آ آ آلبوم دود عود که در سال ۶۷ تولید شده، همکاری کرده‌اید؟

نه، باز هم گروه شیدا و محمدرضا لطفی که شهره‌خواهرم بود و از سندهج این گروه را قبل از انقلاب شکل داده و آن را به تهران بعد از انقلاب آورده بودند، باعث شکل‌گرفتن این همکاری و تولید این آلبوم شدند و در ارکستر شجریان حضور داشتند اما خودم بیشتر با ایشان در شورای‌عالی‌خانه موسیقی دیدار و همکاری داشته‌ام.

آ به نظر‌تان با توجه به اینکه دو سال استاد شجریان نه کنسرتی داشته و نه آلبوم تازه‌ای منتشر کرده چرا سکوتش مدام شکسته و صدایش شنیده می‌شود؟

هنرمند مردمی در دل مردم همیشه جا دارد و این رابطه از بین نمی‌رود و می‌دانیم که تا تاریخ موسیقی ایران وجود داشته باشد، استاد شجریان هم ناشی وجود دارد و اگر امروز هم اجازه خواندن نداشته یا بیماری مانع از آن شده است، که فکر می‌کنم بیشتری دلایلش همین بیماری باشد، اما در دل مردم جاودانه است و هر آنچه تاکنون خوانده در میان مردم تکرار می‌شود و تحت هیچ شرایطی هیچ چیزی نمی‌تواند مانع از این پیوند با مردم شود چون او پیوسته به درستی کار کرده و من هیچ‌گاه کار بی‌ارزشی در کارنامه‌اش ندیده‌ام اما وقتی درباره محمدرضا لطفی از من سؤال می‌کنند، با آنکه رابطه فامیلی هم با هم داشته‌ایم، می‌گویم تا لطفی به آمریکا نرفته بود، در نوازندگی ساز و آهنگ‌سازی‌اش هنرمند بسیار مهمی بود و همه کارهایش ارزشمند بود اما بعد از رفتن به آمریکا کارهایش دیگر بی‌ارزش شدند اما شجریان همیشه کارهایش بارزترش بوده است.

آ سخن پایانی؟

من امیدوارم استاد شجریان سلامتی خودشان را به دست بیاورند و من هم از اینجا (روزنامه شرق) زادروز تولدشان را تبریک می‌گویم و می‌دانم به هر حال هم قرار گرفتن هم مدام می‌گفت: هوشنگ، متجاوز از ۴۰ سال گوش بده و... این خوب است! و به خاطر دارم

نیز حضور داشتند و این همکاری و هم‌گروه‌بودن

همکاری کرده‌اند.

آشنایی‌تان با او چگونه شکل گرفته؟

زمانی که انقلاب شد و دومین هوپایما از آمریکا به مقصد فروگاده مهرآباد پرواز کرد، من در آن هوپایما بودم که تازه درسم را در آمریکا تمام کرده و هنوز هم مدرکم را نگرفته بودم که به تهران آمدم و در آنجا محمدرضا لطفی و استاد شجریان به استقبال آمدند. تازه آلبومی را هم درباره انقلاب منتشر کرده بودند که شجریان می‌خواند: برادر کاکلش آتشفشونه... به نظر من یکی از شاهکاری اوست که تحت‌تأثیرش

هم قرار گرفتم و لطفی هم مدام می‌گفت: هوشنگ، متجاوز از ۴۰ سال گوش بده و... این خوب است! و به خاطر دارم

نیز حضور داشتند و این همکاری و هم‌گروه‌بودن

همکاری کرده‌اند.

آشنایی‌تان با او چگونه شکل گرفته؟

زمانی که انقلاب شد و دومین هوپایما از آمریکا به مقصد فروگاده مهرآباد پرواز کرد، من در آن هوپایما بودم که تازه درسم را در آمریکا تمام کرده و هنوز هم مدرکم را نگرفته بودم که به تهران آمدم و در آنجا محمدرضا لطفی و استاد شجریان به استقبال آمدند. تازه آلبومی را هم درباره انقلاب منتشر کرده بودند که شجریان می‌خواند: برادر کاکلش آتشفشونه... به نظر من یکی از شاهکاری اوست که تحت‌تأثیرش

هم قرار گرفتم و لطفی هم مدام می‌گفت: هوشنگ، متجاوز از ۴۰ سال گوش بده و... این خوب است! و به خاطر دارم

نیز حضور داشتند و این همکاری و هم‌گروه‌بودن

همکاری کرده‌اند.

آشنایی‌تان با او چگونه شکل گرفته؟

زمانی که انقلاب شد و دومین هوپایما از آمریکا به مقصد فروگاده مهرآباد پرواز کرد، من در آن هوپایما بودم که تازه درسم را در آمریکا تمام کرده و هنوز هم مدرکم را نگرفته بودم که به تهران آمدم و در آنجا محمدرضا لطفی و استاد شجریان به استقبال آمدند. تازه آلبومی را هم درباره انقلاب منتشر کرده بودند که شجریان می‌خواند: برادر کاکلش آتشفشونه... به نظر من یکی از شاهکاری اوست که تحت‌تأثیرش

هم قرار گرفتم و لطفی هم مدام می‌گفت: هوشنگ، متجاوز از ۴۰ سال گوش بده و... این خوب است! و به خاطر دارم

نیز حضور داشتند و این همکاری و هم‌گروه‌بودن

همکاری کرده‌اند.

آشنایی‌تان با او چگونه شکل گرفته؟

زمانی که انقلاب شد و دومین هوپایما از آمریکا به مقصد فروگاده مهرآباد پرواز کرد، من در آن هوپایما بودم که تازه درسم را در آمریکا تمام کرده و هنوز هم مدرکم را نگرفته بودم که به تهران آمدم و در آنجا محمدرضا لطفی و استاد شجریان به استقبال آمدند. تازه آلبومی را هم درباره انقلاب منتشر کرده بودند که شجریان می‌خواند: برادر کاکلش آتشفشونه... به نظر من یکی از شاهکاری اوست که تحت‌تأثیرش

هم قرار گرفتم و لطفی هم مدام می‌گفت: هوشنگ، متجاوز از ۴۰ سال گوش بده و... این خوب است! و به خاطر دارم

نیز حضور داشتند و این همکاری و هم‌گروه‌بودن

همکاری کرده‌اند.

آشنایی‌تان با او چگونه شکل گرفته؟

زمانی که انقلاب شد و دومین هوپایما از آمریکا به مقصد فروگاده مهرآباد پرواز کرد، من در آن هوپایما بودم که تازه درسم را در آمریکا تمام کرده و هنوز هم مدرکم را نگرفته بودم که به تهران آمدم و در آنجا محمدرضا لطفی و استاد شجریان به استقبال آمدند. تازه آلبومی را هم درباره انقلاب منتشر کرده بودند که شجریان می‌خواند: برادر کاکلش آتشفشونه... به نظر من یکی از شاهکاری اوست که تحت‌تأثیرش

هم قرار گرفتم و لطفی هم مدام می‌گفت: هوشنگ، متجاوز از ۴۰ سال گوش بده و... این خوب است! و به خاطر دارم

نیز حضور داشتند و این همکاری و هم‌گروه‌بودن

همکاری کرده‌اند.

آشنایی‌تان با او چگونه شکل گرفته؟

زمانی که انقلاب شد و دومین هوپایما از آمریکا به مقصد فروگاده مهرآباد پرواز کرد، من در آن هوپایما بودم که تازه درسم را در آمریکا تمام کرده و هنوز هم مدرکم را نگرفته بودم که به تهران آمدم و در آنجا محمدرضا لطفی و استاد شجریان به استقبال آمدند. تازه آلبومی را هم درباره انقلاب منتشر کرده بودند که شجریان می‌خواند: برادر کاکلش آتشفشونه... به نظر من یکی از شاهکاری اوست که تحت‌تأثیرش

هم قرار گرفتم و لطفی هم مدام می‌گفت: هوشنگ، متجاوز از ۴۰ سال گوش بده و... این خوب است! و به خاطر دارم

نیز حضور داشتند و این همکاری و هم‌گروه‌بودن

همکاری کرده‌اند.

آشنایی‌تان با او چگونه شکل گرفته؟

زمانی که انقلاب شد و دومین هوپایما از آمریکا به مقصد فروگاده مهرآباد پرواز کرد، من در آن هوپایما بودم که تازه درسم را در آمریکا تمام کرده و هنوز هم مدرکم را نگرفته بودم که به تهران آمدم و در آنجا محمدرضا لطفی و استاد شجریان به استقبال آمدند. تازه آلبومی را هم درباره انقلاب منتشر کرده بودند که شجریان می‌خواند: برادر کاکلش آتشفشونه... به نظر من یکی از شاهکاری اوست که تحت‌تأثیرش

هم قرار گرفتم و لطفی هم مدام می‌گفت: هوشنگ، متجاوز از ۴۰ سال گوش بده و... این خوب است! و به خاطر دارم

نیز حضور داشتند و این همکاری و هم‌گروه‌بودن

همکاری کرده‌اند.

آشنایی‌تان با او چگونه شکل گرفته؟

زمانی که انقلاب شد و دومین هوپایما از آمریکا به مقصد فروگاده مهرآباد پرواز کرد، من در آن هوپایما بودم که تازه درسم را در آمریکا تمام کرده و هنوز هم مدرکم را نگرفته بودم که به تهران آمدم و در آنجا محمدرضا لطفی و استاد شجریان به استقبال آمدند. تازه آلبومی را هم درباره انقلاب منتشر کرده بودند که شجریان می‌خواند: برادر کاکلش آتشفشونه... به نظر من یکی از شاهکاری اوست که تحت‌تأثیرش

هم قرار گرفتم و لطفی هم مدام می‌گفت: هوشنگ، متجاوز از ۴۰ سال گوش بده و... این خوب است! و به خاطر دارم

نیز حضور داشتند و این همکاری و هم‌گروه‌بودن

همکاری کرده‌اند.

آشنایی‌تان با او چگونه شکل گرفته؟

زمانی که انقلاب شد و دومین هوپایما از آمریکا به مقصد فروگاده مهرآباد پرواز کرد، من در آن هوپایما بودم که تازه درسم را در آمریکا تمام کرده و هنوز هم مدرکم را نگرفته بودم که به تهران آمدم و در آنجا محمدرضا لطفی و استاد شجریان به استقبال آمدند. تازه آلبومی را هم درباره انقلاب منتشر کرده بودند که شجریان می‌خواند: برادر کاکلش آتشفشونه... به نظر من یکی از شاهکاری اوست که تحت‌تأثیرش

هم قرار گرفتم و لطفی هم مدام می‌گفت: هوشنگ، متجاوز از ۴۰ سال گوش بده و... این خوب است! و به خاطر دارم

نیز حضور داشتند و این همکاری و هم‌گروه‌بودن

همکاری کرده‌اند.

آشنایی‌تان با او چگونه شکل گرفته؟

زمانی که انقلاب شد و دومین هوپایما از آمریکا به مقصد فروگاده مهرآباد پرواز کرد، من در آن هوپایما بودم که تازه درسم را در آمریکا تمام کرده و هنوز هم مدرکم را نگرفته بودم که به تهران آمدم و در آنجا محمدرضا لطفی و استاد شجریان به استقبال آمدند. تازه آلبومی را هم درباره انقلاب منتشر کرده بودند که شجریان می‌خواند: برادر کاکلش آتشفشونه... به نظر من یکی از شاهکاری اوست که تحت‌تأثیرش

هم قرار گرفتم و لطفی هم مدام می‌گفت: هوشنگ، متجاوز از ۴۰ سال گوش بده و... این خوب است! و به خاطر دارم

نیز حضور داشتند و این همکاری و هم‌گروه‌بودن

همکاری کرده‌اند.

آشنایی‌تان با او چگونه شکل گرفته؟

زمانی که انقلاب شد و دومین هوپایما از آمریکا به مقصد فروگاده مهرآباد پرواز کرد، من در آن هوپایما بودم که تازه درسم را در آمریکا تمام کرده و هنوز هم مدرکم را نگرفته بودم که به تهران آمدم و در آنجا محمدرضا لطفی و استاد شجریان به استقبال آمدند. تازه آلبومی را هم درباره انقلاب منتشر کرده بودند که شجریان می‌خواند: برادر کاکلش آتشفشونه... به نظر من یکی از شاهکاری اوست که تحت‌تأثیرش

هم قرار گرفتم و لطفی هم مدام می‌گفت: هوشنگ، متجاوز از ۴۰ سال گوش بده و... این خوب است! و به خاطر دارم

نیز حضور داشتند و این همکاری و هم‌گروه‌بودن

همکاری کرده‌اند.

آشنایی‌تان با او چگونه شکل گرفته؟

زمانی که انقلاب شد و دومین هوپایما از آمریکا به مقصد فروگاده مهرآباد پرواز کرد، من در آن هوپایما بودم که تازه درسم را در آمریکا تمام کرده و هنوز هم مدرکم را نگرفته بودم که به تهران آمدم و در آنجا محمدرضا لطفی و استاد شجریان به استقبال آمدند. تازه آلبومی را هم درباره انقلاب منتشر کرده بودند که شجریان می‌خواند: برادر کاکلش آتشفشونه... به نظر من یکی از شاهکاری اوست که تحت‌تأثیرش

هم قرار گرفتم و لطفی هم مدام می‌گفت: هوشنگ، متجاوز از ۴۰ سال گوش بده و... این خوب است! و به خاطر دارم

نیز حضور داشتند و این همکاری و هم‌گروه‌بودن

همکاری کرده‌اند.

آشنایی‌تان با او چگونه شکل گرفته؟

زمانی که انقلاب شد و دومین هوپایما از آمریکا به مقصد فروگاده مهرآباد پرواز کرد، من در آن هوپایما بودم که تازه درسم را در آمریکا تمام کرده و هنوز هم مدرکم را نگرفته بودم که به تهران آمدم و در آنجا محمدرضا لطفی و استاد شجریان به استقبال آمدند. تازه آلبومی را هم درباره انقلاب منتشر کرده بودند که شجریان می‌خواند: برادر کاکلش آتشفشونه... به نظر من یکی از شاهکاری اوست که تحت‌تأثیرش

هم قرار گرفتم و لطفی هم مدام می‌گفت: هوشنگ، متجاوز از ۴۰ سال گوش بده و... این خوب است! و به خاطر دارم

نیز حضور داشتند و این همکاری و هم‌گروه‌بودن

همکاری کرده‌اند.

آشنایی‌تان با او چگونه شکل گرفته؟

زمانی که انقلاب شد و دومین هوپایما از آمریکا به مقصد فروگاده مهرآباد پرواز کرد، من در آن هوپایما بودم که تازه درسم را در آمریکا تمام کرده و هنوز هم مدرکم را نگرفته بودم که به تهران آمدم و در آنجا محمدرضا لطفی و استاد شجریان به استقبال آمدند. تازه آلبومی را هم درباره انقلاب منتشر کرده بودند که شجریان می‌خواند: برادر کاکلش آتشفشونه... به نظر من یکی از شاهکاری اوست که تحت‌تأثیرش

هم قرار گرفتم و لطفی هم مدام می‌گفت: هوشنگ، متجاوز از ۴۰ سال گوش بده و... این خوب است! و به خاطر دارم

نیز حضور داشتند و این همکاری و هم‌گروه‌بودن

همکاری کرده‌اند.

آشنایی‌تان با او چگونه شکل گرفته؟

زمانی که انقلاب شد و دومین هوپایما از آمریکا به مقصد فروگاده مهرآباد پرواز کرد، من در آن هوپایما بودم که تازه درسم را در آمریکا تمام کرده و هنوز هم مدرکم را نگرفته بودم که به تهران آمدم و در آنجا محمدرضا لطفی و استاد شجریان به استقبال آمدند. تازه آلبومی را هم درباره انقلاب منتشر کرده بودند که شجریان می‌خواند: برادر کاکلش آتشفشونه... به نظر من یکی از شاهکاری اوست که تحت‌تأثیرش

هم قرار گرفتم و لطفی هم مدام می‌گفت: هوشنگ، متجاوز از ۴۰ سال گوش بده و... این خوب است! و به خاطر دارم

نیز حضور داشتند و این همکاری و هم‌گروه‌بودن

همکاری کرده‌اند.

آشنایی‌تان با او چگونه شکل گرفته؟

زمانی که انقلاب شد و دومین هوپایما از آمریکا به مقصد فروگاده مهرآباد پرواز کرد، من در آن هوپایما بودم که تازه درسم را در آمریکا تمام کرده و هنوز هم مدرکم را نگرفته بودم که به تهران آمدم و در آنجا محمدرضا لطفی و استاد شجریان به استقبال آمدند. تازه آلبومی را هم درباره انقلاب منتشر کرده بودند که شجریان می‌خواند: برادر کاکلش آتشفشونه... به نظر من یکی از شاهکاری اوست که تحت‌تأثیرش

هم قرار گرفتم و لطفی هم مدام می‌گفت: هوشنگ، متجاوز از ۴۰ سال گوش بده و... این خوب است! و به خاطر دارم

نیز حضور داشتند و این همکاری و هم‌گروه‌بودن

همکاری کرده‌اند.

آشنایی‌تان با او چگونه شکل گرفته؟

زمانی که انقلاب شد و دومین هوپایما از آمریکا به مقصد فروگاده مهرآباد پرواز کرد، من در آن هوپایما بودم که تازه درسم را در آمریکا تمام کرده و هنوز هم مدرکم را نگرفته بودم که به تهران آمدم و در آنجا محمدرضا لطفی و استاد شجریان به استقبال آمدند. تازه آلبومی را هم درباره انقلاب منتشر کرده بودند که شجریان می‌خواند: برادر کاکلش آتشفشونه... به نظر من یکی از شاهکاری اوست که تحت‌تأثیرش

هم قرار گرفتم و لطفی هم مدام می‌گفت: هوشنگ، متجاوز از ۴۰ سال گوش بده و... این خوب است! و به خاطر دارم

نیز حضور داشتند و این همکاری و هم‌گروه‌بودن

همکاری کرده‌اند.

آشنایی‌تان با او چگونه شکل گرفته؟

زمانی که انقلاب شد و دومین هوپایما از آمریکا به مقصد فروگاده مهرآباد پرواز کرد، من در آن هوپایما بودم که تازه درسم را در آمریکا تمام کرده و هنوز هم مدرکم را نگرفته بودم که به تهران آمدم و در آنجا محمدرضا لطفی و استاد شجریان به استقبال آمدند. تازه آلبومی را هم درباره انقلاب منتشر کرده بودند که شجریان می‌خواند: برادر کاکلش آتشفشونه... به نظر من یکی از شاهکاری اوست که تحت‌تأثیرش